

رویکردی به سیره تاریخی فکری امام خمینی (ره)

ابراهیم مشقی فر

عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

بهره‌گیری انقلابیون، سیاستمداران، اندیشمندان و نخبگان تاریخ‌ساز از تاریخ، منحصر به فرد و با اسلوب مورخان حرفه‌ای متفاوت است. آنان عملگرایانه‌تر عمل کرده و بیشتر تاریخ‌ساز بوده‌اند تا محافظ مواریث تاریخی و موفق‌ترینشان، بصیرترینشان به تاریخ بوده‌اند. اما این قاعده کلی موقعی قابل اطمینان خواهد بود که از مصادیقی برخوردار باشد. لازمه رسیدن به این هدف، بررسی موردی چنین شخصیهایی است. با اذعان به اینکه هر شخصیت برجسته و تحول‌آفرین از این زاویه قابل مطالعه است، نگارنده با مطالعه شخصیت برجسته تاریخ معاصر ایران یعنی حضرت امام روح‌الله خمینی (ره) سعی در مستندسازی این اندیشه دارد. آثار ایشان از بینش عمیق وی به زوایا و مقاطع تاریخ ایران و اسلام حکایت می‌کند و وجود مایه‌های فقهی، فلسفی، عرفانی و اخلاقی و سیاسی در اندیشه‌هایش غنای خاصی به این شم بخشیده است. ایشان برای مورخ، وظایفی قائل است و تاریخ را عنصر ارزشمندی برای بهینه‌سازی زندگی کنونی می‌داند و در شیوه تاریخنگاری نیز ترکیبی از تحلیل، تحلیل، تطبیق، کشف قانونمندیها و سنتها، رفع ابهامات و شبهات، ارائه نتایج و ... را مورد استفاده قرار داده است.

مقدمه

اگر تاریخ، تاریخنگاری و تاریخنگری را صرفاً در چارچوب یافته‌ها و قالبهای مورخان حرفه‌ای جستجو کنیم، هر چند کاری تخصص‌گرایانه کرده‌ایم، در عین حال از سرعت پیشرفت و تعالی آن نیز کاسته‌ایم. انقلابیون و سیاستمداران و نوابغ علمی، متفکران برجسته و در واقع، نخبگان تاریخ‌ساز که محرک تحولات اجتماعی و تاریخی بوده‌اند، هر چند برخی از آنان مورخ حرفه‌ای نبوده‌اند، از تاریخ بهره‌ها گرفته و به تاریخ درس آموخته و برخی اصول و روشهای بسیار کارساز و تحول‌زا را به کار گرفته و به رشد و بلوغ عقل تاریخی کمک کرده‌اند.

پختگیها و نوآوریها و شیوه‌های انقلابیون و تاریخ‌سازان برجسته، الهامبخش و جالب توجه است که در درک و فهم تاریخی آنها باید تأمل کرد و بهره‌ها برد. در واقع، بخشهای تاریخی اندیشه‌ها و عقلانیت آنان، مشاوران خوبی برای مورخان و فیلسوفان تاریخ به شمار می‌آید. بی‌شک نبوغ و جامع‌نگری آنان در بلوغ و شکوفایی فهم تاریخی، نقش ایفا خواهد کرد.

البته سبک و شیوه بهره‌گیری انقلابیون برجسته از تاریخ، نسبت به مورخان حرفه‌ای تفاوتی دارد. آنان در صددند از تجربه‌ها و شخصیتهای تاریخی و رویدادها در جهت پیشبرد اهداف انقلابی خود و برای آماده‌سازی پیروان و مریدان خود بهره ببرند، البته خود آنان روشهای متفاوتی با هم دارند. یک انقلابی که دارای شخصیت چندبعدی سیاسی، عرفانی، علمی و... است، نسبت به دیگران برداشت، اسلوب و اهداف منحصر به فرد و متفاوتی در بهره‌گیری از تاریخ دارد. بی‌شک چنین فردی به تربیت و پرورش و تعالی معنوی انسانها و مخاطبان خود نیز نظر دارد و می‌خواهد جامعه و انسانها را بسازد. یکی از شخصیتهای برجسته‌ای که از تاریخ استفاده غیرحرفه‌ای کرده و یافته‌های تاریخی را کاربردی و در واقع احیا کرده و این عمل با احاطه و اشراف و مطالعات عمیق همراه بوده، امام خمینی (ره) است. ایشان از لحاظ علمی شخصیت چندبعدی دارد و در فقه و فلسفه و کلام و عرفان و اخلاق و تفسیر و تاریخ یا صاحب‌نظر، و یا دارای معلومات

عمیقی است. شاید یکی از عوامل مؤثر در موفقیت‌های سیاسی ایشان همین امر باشد؛ بویژه مطالعات عمیق ایشان در تاریخ. امام از این بابت یاد و خاطره دانشمندان برجسته مسلمان را در قرون شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ذهن تداعی می‌کند که هر کدام در چند شاخه علمی صاحب‌نظر و دارای آثار بودند.

در این مقاله نگارنده بر آن است با بضاعت اندک خود به جوانب مختلفی از سهم بینش تاریخی امام در شخصیت علمی و سیاسی ایشان اطلاعاتی به دست دهد و در این راستا به مایه‌های تاریخی اندیشه‌های ایشان، چگونگی نگرش تاریخی (تاریخنگری)، سنت تاریخنگاری (روش) امام (ره) پرداخته شده است.

۱- مایه‌های تاریخی اندیشه‌های امام

در آثار مکتوب و سخنان امام خمینی (ره) هر جا افشای حقایق و اثبات مدعا و احیاناً رد نظریه‌ای هست، بیش از هر چیزی استنادات تاریخی، ارائه مثالها و بخشهای برجسته تاریخی است که کاملاً ماهرانه و با احاطه و اشراف، همراه است و نشان از مطالعات عمیق تاریخ ایران، اسلام، انبیا، جهان و جنبه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، فکری و فرهنگی و... دارد. ارائه اطلاعات دقیق و استفاده از اصطلاحات و واژه‌های تخصصی حاکی از این وسعت دید است که به اجمال به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود. امام در بیان مزدک و آرای مزدکیه به زمان ظهور مزدک و ترویج مزدک‌گرایی، بسیار مفید و مختصر به مسائل زمان مزدک می‌پردازد و می‌نویسد: "مزدک در زمان قباد پدر انوشیروان ظاهر شد و قباد را به دین خود دعوت کرد. او نیز قبول کرد و انوشیروان او را کشت..."^(۱) سپس به بیان عقاید آنها می‌پردازند.

امام در ریشه‌یابی آرای عرب جاهلی می‌نویسد: "در اوایل سلطنت شاپور ذوالاکتاف، عمرو بن لحي بزرگ طایفه خود در مکه شد و استیلا بر خانه کعبه پیدا کرد و مسافرت به شامات کرد؛ در شهر بلقاء قومی را دید که عبادت اصنام می‌کنند. از آنها چگونگی حال را پرسید. آرای خود را به او گفتند. خوشش آمد و از آنها بتی طلب کرد.

هبل را به او دادند و او این سوقات را از شام به مکه آورد و در کعبه وضع کرد و مردم را به عبادت و پرستش آن دعوت کرد تا پرستش بت در مکه شایع شد...^(۲).

امام در رد نظر نویسنده‌ای در مورد دانشگاه جندی‌شاپور که پزشکان آن را از یهودیها دانسته است، می‌نویسد: "استادان دانشگاه جندی‌شاپور همان اطبای رومی و یونانی بودند که طب عالی یونان را به دانش‌آموزان ایران آموختند و طب یونانی را در کشور رواج دادند..."^(۳). سپس نتیجه می‌گیرد و می‌نویسد: "اکنون باید دید چه کسانی طب یونانی را که برای علاج کلیه امراض مزاجی بهترین وسیله بود و با سهلترین راه مطابق اقتصاد این خدمت را بهتر از طب امروز اروپا انجام می‌داد از میان بردند و ریشه آن را برای همیشه از جهان برانداختند و چنین خیانت بزرگی بخصوص به کشور ایران کردند"^(۴).

امام در مقایسه روش حکومت پهلویها با وحشیگریهای مغولها به این نتیجه می‌رسد که مغولها تابع یک قانون بودند؛ قانونی موسوم به "یاسانامه بزرگ" که از آن تخلف نمی‌کردند و تخلف از آن مجازات مرگ را به دنبال داشته است در حالی که رژیم پهلوی حتی به چنین قانونی نیز پایبندی نداشت^(۵). بیان چنین نکته‌ای، مطالعه نسبتاً عمیق تاریخ حکومت مغولها در ایران را نشان می‌دهد. هر چند مغولها در جریان تهاجم به ایران، پس از نبرد با نیروهای خوارزمشاهیان از سال ۶۱۷ ق. به بعد با غارت و ویرانی شهرهای مختلفی بر ایران تسلط یافتند، در طی بیش از یک قرن حاکمیت ایلخانان در ایران در هر حال نظامات و مقرراتی وضع کردند و اصلاحاتی نظیر آنچه غازان خان انجام داد، به عمل آوردند و برخی از آنان نظیر آباقا به آیین تشیع گروید که به سلطان محمد خدابنده تغییر نام داد؛ هر چند از نظر فرهنگی در سطح پایینی بودند و متأثر از ایرانیان در هر حال دارای قوانین و مقررات خاص خود بودند^(۶).

در سخنان و نوشته‌های امام (ره) مثالها و نکته‌های جالبی وجود دارد که بیانگر مطالعات وسیع ایشان در تاریخ صدر اسلام، تاریخ تشیع، تاریخ انبیا و بویژه راجع به حضرت آدم (ع)، موسی (ع)، و ابراهیم (ع)، تاریخ جهان، تاریخ ایران است. امام (ره)

در تاریخ ایران بیش از همه به تاریخ معاصر و نهضتها و تاریخ سیاسی آن توجه داشته و نکات ارزنده‌ای ارائه کرده است؛ در مورد نهضت تنباکو، انقلاب مشروطیت، نهضت جنگل، استبداد رضاخانی، حوادث جنگ جهانی دوم و اوضاع ایران در آن اثنا، نهضت ملی شدن نفت، نقش و تأثیر روحانیت در تاریخ معاصر ایران و ظلم و ستم حکام نسبت به مردم، نظریات دقیق و ظریفی ارائه کرده و مخاطبان را به مطالعه و تفکر فراخوانده است^(۷). این نکته‌سنجی امام علاوه بر اینکه از مطالعات ایشان در این حوادث ناشی می‌شود، در بخش اعظم این رویدادها، شاهد و ناظر بوده و به عنوان فردی سیاسی و انقلابی حساسیتهای لازم را داشته‌اند.

امام در حوادث تاریخ معاصر ایران به نقاط قوت و ضعف کارکرد رهبران و سردمداران، بایدها و نبایدها، علل شکستها و ناکامیها و... پرداخته است. به نظر می‌رسد این شناخت عمیق از تاریخ معاصر ایران و فراز و نشیبهایش از عوامل بسیار مؤثر و تعیین‌کننده در موفقیت ایشان در عرصه‌های سیاسی و رهبری انقلاب باشد. اگر بخواهیم میزان تأثیر بینش تاریخی رهبران را در فعالیتهای سیاسی آنان بیان کنیم و به ارزش و اهمیت آن واقف شویم و به چگونگی کاربردی کردن و پویایی تاریخ، الگو ارائه دهیم همین مورد کافی است، زیرا امام هیچ کدام از نقاط ضعف رهبران سیاسی و انقلابی تاریخ معاصر ایران را نداشته است.

۲- تاریخ‌نگری

الف - عبرتها و درسها

بی‌شک در تاریخ، بهره‌های بسیاری نهفته است؛ از جمله آنها که مورد توجه قدما نیز بوده آشنایی با عقاید و ادیان و رفع و درمان گرفتاریهاست. آنان با ذکر این دو فایده در واقع می‌خواستند تاریخ را هم‌ردیف علم ادیان و ابدان بدانند. شناخت ادیان و عقاید نزد قدما حائز اهمیت فراوان بوده است. مورخان بزرگ دنیای اسلام نظیر ابوالحسن مسعودی، ابوریحان بیرونی و یعقوبی به آنچه به عقاید و ادیان مربوط بوده است توجه

خاص داشته‌اند. اما در میان فواید تاریخ، آنچه هنوز اهمیت خود را از دست نداده، توجه به جنبه عملی و اخلاقی تجارب تاریخ است لذا از این بعد آن را به علم ابدان (علم طب) تشبیه کرده‌اند، از آنکه به تعبیر ابوالحسن بیهقی هیچ واقعه‌ای از خیر و شر نیست «که سانح گردد» و «نه در عهد گذشته مثل آن یا نزدیک بدان واقعه بوده باشد»؛ «پس همچنانکه اطبا از بیماریهای گذشته» دستور کار برای خویش می‌سازند اهل خبر نیز از حوادث گذشته سرمشق می‌گیرند... این همان فایده‌ای است که یونانیها از تاریخ پراگماتیک (Pragmatikos) می‌جسته‌اند^(۸).

مسلمانان و کشیشان قرون وسطی برای عبرت‌جویی از تاریخ اهمیت ویژه‌ای قائل بودند. اخوان‌الصفا فایده عمده تاریخ را بهره‌ای می‌شمردند که زاهدان و عابدان و... از تامل در آثار گذشتگان و از نظر در احوال آنان به دست آورند^(۹). یک مورخ مصری تصور می‌کرد که تاریخ اگر غیر از تذکر این نکته که «دنیا بقایی ندارد و در آن هیچ چیز چنانکه هست نمی‌ماند»، فایده دیگری نمی‌داشت، همین فایده برای آن کافی بود^(۱۰).

امام علی (ع) می‌فرماید: "باید از تحولات تاریخ عبرت گرفت و حیرت کرد و باید این حیرتها و عبرتها را با حوادث روز تطبیق کرد و از این اجتهاد و انطباق بر دانایی و توانایی خویش افزود"^(۱۱). همچنین می‌فرماید: "فکر شما آینه‌ای تابناک است و عبرتی که از تحولات تاریخی می‌گیرید، پندی گرانمایه باشد که چراغ صفت، راه زندگانی را از چاره باز نماید..."^(۱۲).

فایده عبرت‌انگیزی تاریخ از دیدگاه امام خمینی (ره) مورد توجه بایسته بوده و ایشان بارها بدان توصیه کرده و خود نیز عملاً آن را به کار بسته است و می‌فرماید:

«تاریخ و آنچه به ملتها می‌گذرد، این باید عبرت باشد، برای مردم؛ از جمله تاریخ عصر حاضر. ببینیم که چه شد که یک چنین قدرتی (رژیم پهلوی) از بین رفت. دولتها ببینند که برای چه این طور منهدم شد. یک چنین قدرتی و اجزای دولتی، ادارات ببینند که چه شد قضیه و موجب عبرت همه باشد...»^(۱۳).

نیز می‌فرماید: "تاریخ باید سرمشق ما باشد"^(۱۴) و یا اینکه می‌فرماید: "تاریخ درس

عبرتی برای ماست" (۱۵) و "ما باید از این تاریخ عبرت بگیریم که مبدا یک وقتی در بین شما آقایان روحانیون، اشخاصی بیفتند و وسوسه کنند و خدای نخواستہ آن امری که در مشروطه اتفاق افتاد، در ایران اتفاق بیفتد" (۱۶). در جای دیگر تأکید می‌کنند که "از این حوادث تاریخی عبرت بگیرید. تاریخ معلم انسان است. شماها چند سال دیگر در این دنیا نیستید..." (۱۷).

امام در مورد مسائل نظامی و انتظامی نیز به عبرت گرفتن توصیه می‌کند و می‌فرماید: "ما باید عبرت بگیریم از آن پلیس زمان محمدرضا [پهلوی] و از آن ارتش محمدرضا و از آن ژاندارمری زمان او و ببینیم که مردم با آنها چه جور بودند و نتیجه‌اش چه شد و مردم با آنها مخالف بودند و آنها با مردم مخالف و مثل دو تا دشمن با هم برخورد می‌کردند... ما باید از این مسائل تاریخی عبرت بگیریم و ما آنطور [مثل کلانتریهای زمان شاه] نباشیم تا آنطور نشویم" (۱۸).

بدین ترتیب عنصر «عبرت‌انگیزی» تاریخ به عنوان کاربردترین جنبه آن در نگرش تاریخی امام خمینی (ره) جایگاه ویژه‌ای دارد که این نقطه اشتراک با قرآن و به عبارت بهتر، نقطه الهام از کلام خداوند، و همان چیزی است که بزرگان اسلام و مورخان برجسته مسلمان با تمسک و توجه به آن به یافته‌های تاریخی خود ارزش و اهمیت بخشیده‌اند. در آیه ۱۱۱ از سوره یوسف می‌فرماید: "لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب" (به تحقیق در سرگذشت آنان (۱۹) برای صاحبان خرد، عبرتی است).

آمدن واژه عبرت در کنار خرد هم از روش کار تاریخ سخن می‌گوید و هم از سودرسانی تاریخ، اگر از خرد در شناخت آن سود برده شود. به کاربردن خرد در کار تاریخ به عبرت منتهی می‌شود. نه تنها استفاده از خرد در مطالعه هر پدیده به منظور دستیابی به حقیقت، حاکی از تجزیه و تحلیل، تعلیل، تصفیة و سبک سنگین کردن است، بلکه انسان به حقیقتی مسلم می‌رسد و از آن الهام می‌گیرد و متأثر می‌شود تا موجب عبرت او گردد لذا عبرت گرفتن از نشانه‌های تاریخ علمی و تحلیلی است" (۲۰). البته در موارد متعدد و به گونه‌های مختلف در آیات قرآن توصیه به عبرت وجود دارد. در هر

حال عبرت گرفتن از تاریخ و درس آموزی از آن نتیجه‌ای است که در شیوه تاریخ‌نگری قرآن و کسانی است که اهداف و مقاصد اصلاحگری، انسانسازی و جامعه‌سازی را از تاریخ دنبال می‌کنند که امام خمینی (ره) هم در زمره آنهاست. امام، انبیا را معلم و انسانها را دانشجو شمرده و به جوانب مختلف این تعلیم و تعلم و کاربردی کردن تاریخ پرداخته است.

ب - توجه به اسوه‌ها و تبیین سیره‌ها

از شیوه‌های رایج در تبیین و تدوین تاریخ، که هم جنبه روش‌آموزی و هم جنبه هدایتگری و تربیتی دارد، سبمل و اسوه گرفتن چهره‌ها و افرادی است که شایستگی آن را دارند؛ مردان و زنانی که کارهای برجسته انجام دادند و افراد شاخصی به شمار می‌آمدند و به تعبیری از قهرمانان تاریخ محسوب می‌شدند و در عرصه‌های سیاسی - نظامی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی - هنری، فکری و اعتقادی تحول‌زا و منشأ تحولات بوده و در تعیین مسیر حرکت تاریخ مؤثر واقع شده‌اند. تأثیر شخصیتها در رفتار مردم و در نتیجه در تحولات تاریخی توجه برخی صاحب‌نظران را جلب کرده است. پلخانف می‌گوید: "شخصیت با نیروی سجایای مخصوص خودش می‌تواند در سرنوشت اجتماع تأثیر نماید". او این تأثیر را به صورت کم و زیاد می‌داند و تأثیر و حدود آن را توسط تشکیلات اجتماعی و مناسبات متقابل نیروهای اجتماعی بیان می‌کند. پلخانف اندازه نفوذ شخص را به استعداد شخصیت وی مربوط می‌داند و ظهور استعداد آن را به بروز موقعیت لازم در اجتماع منوط می‌داند^(۲۱).

امام خمینی (ره) بطور منطقی و شایسته به الگوها و سبملها، اعم از مثبت و منفی توجه داشته است. ایشان روش و منش انبیا و اولیا و ائمه هدی و شخصیتهای برجسته پیرامون آنان را ستوده و به تبلیغ سیره آنان پرداخته و انسانهای زمان حاضر را به تأسی از آنان توصیه کرده است. نیز به نقد و ارزیابی روش حکام ظلم و جور و سلاطین، قدرتمندان دارای "یال و کوپال"^(۲۲) پرداخته است و در مواردی به تطبیق و مقایسه اسوه‌های متضاد مثبت و منفی می‌پردازد^(۲۳).

امام سلاطین تاریخ ایران را بلااستثنا مطرود و منفور نشان می‌دهد و هیچ چهره مثبت و موردقبولی از آنها تصویر نمی‌کند؛ حتی انوشیروان را نقد می‌کند و چهره پردازی ناصحیح وی را به عدالتجویی و عدالتخواهی مردود می‌داند و بارها از "رژیم دو هزار و پانصد ساله مستکبر و ستمگر" (۲۴) و از "ظلم و ستم دو هزار و پانصد ساله" (۲۵) و "۲۵۰۰ سال فشار و اختناق در تاریخ ایران" (۲۶) و... سخن می‌گوید. امام درباره سلاطین ایران می‌فرماید:

«اما ایران ما تقریباً بعد از اینکه زیر یوغ دو هزار و پانصد سال سلطنت بوده و همه سلاطین بی‌استثنا - تقریباً بی‌استثنا - مردم خونخواری بودند؛ حتی آنهایی که به عدالت معروفند. کسانی که اهل تاریخ هستند می‌دانند که همان انوشیروان عادل چه آدمی بوده است و چه آدم ظالمی بوده است تا رسید نوبت به زمان دیکتاتوری رضاخان و بعد از او هم بدتر از او» (۲۷).

ایشان بیش از همه از دیکتاتوری رضاخان می‌نالند و از ستم حکام و مأموران وی و مظلومیت مردم سخن به میان می‌آورد و از بیست سال خفقان دوره حکومت وی یاد می‌کند و او را مثل سایر حکام خودسر و مسلط، عاری از لیاقت اداره جامعه و تدبیر ملت و علم و فضیلت به حساب می‌آورد (۲۸). زیرا این استبداد را با تمام وجود خود درک و لمس کرده، و در این دوره زیسته بود.

اما در این میان، اسوه‌های مقبول و مورد ستایشی نیز در تاریخ بوده‌اند که امام به تبلیغ آنها پرداخته و آنها را برای گزینش و انتخاب معرفی کرده است. پیامبران عظیم‌الشانیه چون ابراهیم (ع)، موسی (ع) و محمد (ص) بیش از همه مورد توجه ایشان هستند. امام علی (ع) به سبب اینکه شخصیت سیاسی - نظامی ایشان مجال نمود و بروز پیدا کرد و... نیز مورد نظر ایشان هست. در تاریخ معاصر، روحانیون برجسته‌ای چون مرحوم مدرس و میرزای شیرازی مورد تبلیغ ایشان هستند.

امام به تبلیغ سیره انبیا پرداخته، روش آنان را ایستادگی در مقابل طاغوت و فروتنی در مقابل ضعفا، فقرا، مستضعفان و مستمندان تبیین می‌کند و می‌فرماید: "آن طوری که

وقتی عرب وارد می‌شود در مسجد رسول‌الله، می‌گوید، کدام یکی تان [پیامبر (ص)] هستید. آن موقع رسول‌الله در مدینه تشکیل حکومت داده بود. از آن طرف در مقابل هیچ قدرتی خاضع نبود^(۲۹). امام در تاریخ انبیا در سها و پندهای سیاسی - نظامی، اخلاقی و معنوی را ارائه می‌کند و می‌فرماید: "خیال نکنید که اسلام فقط نماز و روزه است، اگر این طور بود، پیغمبر هم توی مسجدش می‌نشست و نماز می‌خواند. چرا از اول عمرش تا آخر زحمت کشید، جنگ کرد، زد و خورد کرد، شکست خورد، شکست داد و تا آن قدری که می‌توانست عمل کرد؟ امیرالمؤمنین و صلحا هم همین طور بودند. اگر منطق انبیا این بود، موسی سراغ فرعون نمی‌رفت. اگر منطق انبیا این بود، ابراهیم نمی‌رفت بر آنها حمله کند. پیغمبر این کار را نمی‌کرد. منطق انبیا این نیست. منطق انبیا این است که "اشداء" باید باشند بر کفار و بر کسانی که بر ضد بشریت هستند و بین خودشان هم رحیم باشند و آن شدت هم بر آنها رحمت است"^(۳۰).

امام ابعاد دیگری از سیره انبیا را توضیح می‌دهد و می‌فرماید انبیا برای این مبعوث شدند که معنویات و استعدادهای مردم را شکوفا کنند تا بفهمند به اینکه چیزی نیستیم. انبیا از اول این دو شغل را داشته‌اند شغل معنوی که مردم را از اسارت نفس و خودشان خارج کنند و مردم و ضعفا را از گیر ستمگران نجات بدهند. این دو شغل، شغل انبیاست. حضرت موسی و ابراهیم هم دعوت به توحید می‌کردند و هم بیچاره‌های تحت ستم را نجات می‌دادند. حضرت عیسی به سبب کمی عمر، تعلیمات کمی دارد و شیوه او همان شیوه انبیاست. پیامبر اسلام علاوه بر معنویات اقامه عدل می‌کرد. "این سیره باید برای کسانی که خودشان را تابع انبیا می‌دانند، باقی باشد، هم جهات معنویات را تقویت کنند و هم اقامه عدل کنند. اگر تابع اسلام هستیم، این سیره مستمر انبیا بوده است"^(۳۱). ایشان از انبیا عمل کردن به وظیفه را یاد می‌دهد و تذکر (حق) می‌دهد که "کار انبیا مورد قبول همه نبود"^(۳۲).

امام در میان اسوه‌های صدر اسلام ابتدا به پیامبر (ص) بعد به علی (ع) و سپس به امثال مالک اشتر توجه دارد و به تبلیغ سیره آنان پرداخته است. امام شخصیت و سیره

پیامبر (ص) و علی (ع) را از زوایای مختلف سیاسی - نظامی، اقتصادی - اجتماعی و... مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار داده و به ارائه مثالها، همانندیها، تحلیل نبردها، توضیح نفاق و منافقین، بیان انحرافات، چگونگی تشکیل حکومت، تکذیب روایات جعلی، بیان فداکاریها، بیان ساده‌زیستی‌ها، بیان چندبعدی بودن شخصیت آن بزرگواران، لزوم تأسی به سیره آنان و توصیه دیگر به مطالعه در تاریخ صدر اسلام پرداخته است (۳۳). ایشان هم نقاط منفی را دیده و هم نقاط مثبت را. می‌فرماید: "... در زمان خود پیامبر و حضرت امیر هم خلاف واقع می‌شد، باید جهات مثبت را نگاه کرد نه جهات منفی را..." (۳۴) "... در زمان حضرت امیر هم قاضی‌اش و فرماندارش خلاف می‌کردند. این اجتناب‌ناپذیر است" (۳۵).

دیدگاه‌های امام درباره الگوها و اسوه‌های عاشورایی خود حدیث مفصلی دارد. شناخت عمیق ایشان از علل و عوامل، اهداف، نتایج و آثار واقعه عاشورا در معرفی و تبلیغ نقش آفرینان این حادثه عظیم تاریخ بویژه حضرت سیدالشهداء حسین بن علی (ع) افق بسیار روشنی را نشان می‌دهد. امام می‌فرماید این دستورالعمل امام حسین سلام‌الله‌علیه است برای همه: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا». دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان برنامه را. امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد، مقابل یک امپراطوری بزرگ ایستاد و "نه" گفت (۳۶).

امام خمینی (ره) در تاریخ معاصر ایران به مباحث متعددی پرداخته و از جوانب مختلف بدان نگریسته و بویژه نهضتها و قیامها را مورد بررسی قرار داده است. امام روحانیون و علما را محور حرکت و مبارزه بیان نموده و شخصیت‌های برجسته‌ای چون میرزای شیرازی، شیخ فضل‌الله نوری و شهید مدرس را بارها مورد بحث قرار داده است. امام در مورد نقش علما در مبارزه با رضا شاه می‌فرماید: "آن که در داخل، در داخل مملکت قیام کردند بر ضد رضاشاه، علمای تبریز بودند. یک وقت هم علمای خراسان بودند، یک وقت هم علمای اصفهان بودند که در قم جمع شدند، که ما همه‌اش را حاضر بودیم. آن که در مجلس مخالفت می‌کرد، جبهه ملی نبود، مدرس بود، نهضت

آزادی نبود، مدرس بود که می‌ایستاد...^(۳۷). البته امام به چهره‌های منفی برخی روحانیون نیز توجه داشته و به معرفی آنان پرداخته است و می‌فرماید: "شما همه می‌دانید که مرحوم شیخ فضل‌الله نوری را کی محاکمه کرد. یک معمم زنجانی، یک ملای زنجانی محاکمه کرد و حکم قتل او را صادر کرد. وقتی معمم و ملا مهذب نباشد فشارش از همه کس بیشتر است"^(۳۸) و در جای دیگر از شیخ ابراهیم زنجانی به عنوان "یک نفر منحرف روحانی‌نما"^(۳۹) یاد می‌کند.

بنابراین الگوپردازی و تجزیه و تحلیل شخصیت و عملکرد اسوه‌ها و برجستگان تاریخ در نگرش تاریخی امام نقش محوری دارد و بخش قابل توجهی از یافته‌ها، بررسیها و توجهات تاریخی امام را این مهم تشکیل می‌دهد و نقاط قوت و ضعف و روش و منش آنان را ارائه نموده است.

۳- سنت تاریخننگاری

هر چند نقاط مشترکی بین تاریخننگاری مورخان حرفه‌ای با روش انقلابیون، اصلاحگران، سیاستمداران و سایر کسانی که استفاده غیرحرفه‌ای از تاریخ دارند، وجود دارد، در عین حال نقاط اختلاف قابل توجهی هم وجود دارد. برای هر انقلابی و سیاستمدار، حرکت آفرین بودن تاریخ بیشتر مدنظر است، نه ثبت و ضبط حوادث که کار مورخ حرفه‌ای است. این عامل در روش و چگونگی به کارگیری نیز تأثیر می‌گذارد.

امام خمینی به عنوان یک انقلابی و اصلاحگر و سیاستمدار در روش تاریخننگاری از عناصر نقد، تجزیه و تحلیل، مقایسه و تطبیق و تعلیل استفاده کرده و به کشف سنتها و قانونمندیها و قانونها، رفع ابهامات، ارائه نتایج، بیان ریشه‌ها، تفاوتها و اشتباهات، علتها و معلولها پرداخته و بطور مستند و توأم با شواهد و گواهیها به بررسی تاریخ پرداخته است. ایشان به عوامل محرک در جریانات و رویدادهای تاریخی بدقت نظر داشته و به افشای کج فهمی‌ها، دروغ‌پردازیها، غرض‌مندیها، دزدیها و غلط‌نویسی‌ها و خیانتها پرداخته است^(۴۰). امام به نقاط حساس و استراتژیک تاریخ پرداخته و بخشهای برجسته

آن را مورد توجه فراوان قرار داده است.

الف - نقد و نقادی

توجه نقادانه به حوادث و مسائل تاریخی و تاریخ‌نگاری‌ها نشان از سطح متعالی درک تاریخی فرد نویسنده یا سخنور است. این نگرش در آثار مربوط به امام خمینی (ره) هم در مورد شخصیتها، هم پدیده‌ها و هم نگرشهاست. امام ضمن نقد کارکردها و شخصیتها و عوامل انسانی همچنین از عوارض و پدیده‌های تاریخی نقادی کرده و تاریخ‌نویسان نیز از خرده‌گیریهای ایشان مصون نمانده‌اند.

امام دید نقادانه و ملامتگرانه‌ای به سلاطین ایران در طول ۲۵۰۰ سال دوران شاهنشاهی دارد و آنان را بلااستثنا خونخوار و بی‌رحم می‌داند. نیز از تحقیرها، فشارها و اختناقها و ظلم و ستمهای حکام نسبت به مردم در تاریخ ایران صحبت کرده و شدیداً این روال را مورد انتقاد قرار داده است^(۴۱). ایشان از اشرافسالاری در تاریخ ایران شکوه می‌کند و اینکه در اثر تسلط طبقات بالا، پیشه‌وران و طبقات پایین دیگر هم مالیات می‌دادند، هم خدمات نظامی ارائه می‌دادند و هم حق تحصیل کردن را نداشتند^(۴۲). در جای دیگر می‌فرماید:

«شما اگر توجه کنید به حکومتهایی که در طول تاریخ بوده است، خصوصاً در این پنجاه سال ملاحظه می‌کنید، آنهايي که در رأس امور بودند، قهراً اینها مردم را به حساب نمی‌آورند. این یک امر قهری است... سرچشمه همه مصیبتهایی که ملت می‌کشند این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان به اصطلاح خودشان از آنها باشد...»^(۴۳).

امام در بیان پیامدها و عوارض این نوع حکومت به تراکم ثروت در دست معدودی، ملاک ارزش بودن قدرت بویژه قدرت مالی، خاضع بودن چنین حکامی در مقابل قدرت بالاتر بویژه قدرتهای خارجی و فرمانفرمایی و زورگویی در مقابل ضعفا و زیردستان اشاره کرده است^(۴۴).

امام از تیولداری و فروش حکومتهای مناطق به عنوان تیول به افراد یاد کرده و آن را

منشأ ظلم و اجحاف در حق مردم می‌داند و این روند را موجب باز شدن دست حکام در ظلم مضاعف به مردم بیان می‌کند و می‌فرماید: "خراسان مثلاً تیول فلان شاهزاده بود و چقدر به شاه یا به دستگاه می‌داد و آنجا را تیول می‌کرد و بعد هم آنجا هر کاری می‌خواست می‌کرد؛ باید آن مبلغی که داده است، در آورد، وجوهاتی برای خودش و دوستانش ذخیره کند و همینطور نظامیها و ژاندارمری مثلاً کلانتریها و همه از این باب بوده‌اند" (۴۵). لازم به یادآوری است که تیولداری سابقه طولانی در تاریخ ایران دارد و بویژه از دوره سلجوقیان به بعد به عنوان عارضه‌ای سیاسی - نظامی و اقتصادی مطرح بود و استانها و ایالات به عنوان تیول به حکام واگذار می‌شد و آنان به عنوان شاه در قلمرو خود اختیاراتی اقتصادی، سیاسی داشتند و تأثیرات مثبت آن به نفع مرکز و عواقب سوء آن متوجه مردم بود (۴۶).

بخش دیگری از نقادبهای امام درباره ناکامیها و علل آن در انقلابات تاریخ معاصر ایران بویژه انقلاب مشروطه است. امام به تبلیغات دامنهدار در جدا کردن مردم از روحانیت، ایجاد گروه‌های مختلف و جلوگیری از به ثمر رسیدن انقلاب، ترور و قتل روحانیونی چون سیدعبدالله بهبهانی و شیخ فضل‌الله نوری، منحرف کردن مردم از مسیر انقلاب، تسلط اشراف، مرفهین و ثروتمندان در امور کشور و ملت و عدم انسجام ملت و روحانیت برمی‌شمارد (۴۷).

امام در تاریخ معاصر ایران برخی جریانه‌ها و چهره‌ها را نیز مورد انتقاد قرار داده و ضعف کارکرد آنان را یادآور شده است. ایشان غفلتها و ضعف نفسهای قوام‌السلطنه و اشتباهات دکتر مصدق را تذکر می‌دهد و اینکه مصدق وقتی به قدرت رسید، شاه را از اریکه قدرت پایین نکشید و مجلس را منحل کرد و کلارا به استعفا واداشت (۴۸). اما ایراد مهمتری که امام به دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی می‌گیرد این است که نهضت ملی شدن نفت صرفاً بعد سیاسی پیدا کرد و بعد مذهبی آن زوده شد. امام می‌فرماید:

«در خلال نهضت... در نامه‌ای به کاشانی نوشتم که لازم است برای جنبه دینی نهضت اهمیت قائل شود. او به جای اینکه جنبه مذهبی را تقویت کند و جنبه

سیاسی چیرگی دهد، به عکس رفتار کرد، به گونه‌ای که رئیس مجلس شورای ملی شد و این اشتباه بود. من از او خواستم که برای دین کار کند، نه اینکه سیاستمدار شود...» (۴۹).

امام به گونه دیگری همین ایراد را مترتب می‌داند و می‌فرماید: "در گذشته فریاد خلق به خاطر نفت بود... (۵۰) در "قضیه نفت، چون اسلامی نبود و ملی تنها بود و به اسلام کاری نداشتند از این جهت نتوانستند کاری انجام دهند... (۵۱).

امام در انتقاد از مصدق و جبهه ملی می‌فرماید: "ما چقدر سیلی از این ملیت خوردیم" (۵۲) و در جای دیگر می‌فرماید: "یک گروهی (جبهه ملی) که با اسلام و روحانیت اسلام، سرسخت مخالف بوده‌اند از اولش هم مخالف بوده‌اند... اینها کاری کردند که یک سگی را نزدیک مجلس عینک بهش زدند، اسمش را آیت‌الله گذاشته بودند... من به این آقا (یکی از علمای تهران) عرض کردم که این دیگر مخالفت با شخص نیست. این سیلی خواهد خورد و طولی نکشید که سیلی را خورد و اگر مانده بود سیلی را به اسلام می‌زد. اینها تفاله‌های این جمعیت هستند" (۵۳).

سرانجام، تاریخ‌نویسان نیز مورد انتقاد امام بوده‌اند. البته مورخانی که در خدمت سلاطین و ستایشگر آنان بودند و می‌فرماید: "من گمان ندارم در تمام سلسله سلاطین حتی یک نفر آدم حسابی باشد، منتها تبلیغات زیاد بوده‌است. برای شاه عباس با اینکه در صفویه شاید از شاه عباس آدمی بدتر نبود، آن قدر تبلیغ کردند. در قاجاریه آن قدر از ناصرالدین شاه تعریف کردند و شاه شهید و امثال ذلک گفتند، در صورتی که یک ظالم غدار بود... (۵۴). این در حالی است که ایشان مسئولیت روشنگری در مورد رفع شبهات در همبستگی معنویت و دیانت با حکومتداری و سیاست را متوجه مورخان نیز می‌دانست*.

هر چند اگر سلاطین ایران با همدیگر مورد مقایسه قرار گیرند ممکن است از لحاظ کشورداری، قابلیت‌های سیاسی - نظامی و... تفاوت‌هایی داشته باشند، اگر موضوع قدرت و

خطراتی که قدرتشان را تهدید می‌کرد، به میان می‌آمد به هیچ کس حتی نزدیکترین افراد خود رحم نمی‌کردند. شاه عباس به دلیل سوءظنی که بر فرزنداناش پیدا کرد برخی را کشت و برخی دیگر را کور کرد و بقیه را در حرمسرا محبوس ساخت. صاحب‌نظران یکی از عوامل مؤثر و زمینه‌ساز زوال صفویه را همین اقدام شاه عباس بر شمرده‌اند. زیرا این رفتار وی موجب گردید که جانشینانش صلاحیتها و توانایی لازم را برای اداره کشور به دست نیاورند (۵۵).

ب - کشف قانونمندیها و سنتها

مقوله قانونمندی و سنتهای تاریخی در فلسفه تاریخ اهمیت خاصی دارد. صاحب‌نظران در مباحث فلسفه تاریخ به این مبحث نیز پرداخته و آرای خود را ارائه داده‌اند. از دیدگاه قرآن نیز بعضی قوانین همیشگی و تغییرناپذیر در تاریخ وجود دارند؛ مثلاً می‌فرماید: "هر امتی را اجلی است پس هنگامی که اجلشان فرا رسیده ساعتی جلو می‌افتد و نه عقب" (۵۶) یا "ما اهل هیچ روستا یا سرزمینی را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آنان مدتی مضبوط و معین بود و هیچ امتی از اجل خود پیش و پس نمی‌افتد" (۵۷) و "... ما اهل این سرزمینها را چون ستم کردند هلاک کردیم و قانون هلاک آنها را به وقت معین موكول نمودیم" (۵۸) و "پیش از شما سنتهایی وجود داشته، شما در روی زمین به سیر و سیاحت پردازید، بنگرید تا بدانید پایان کار تکذیب‌کنندگان را" (۵۹) و "چون خواهیم قریه‌ای را هلاک کنیم، مترفینش را بسیار کنیم" (۶۰).

البته در مواردی سنتهای تاریخی درست تفسیر نشده و با رنگ الهی و غیبی دادن به آنها قالب غیرعلمی به آنان داده شده است؛ چنانچه مسیحیت وقتی یک واقعه تاریخی را جنبه غیبی و الهی می‌دهد و می‌خواهد آن را توجیه لاهوتی کند، درست آن حادثه را به خدا نسبت می‌دهد و هیچ‌گونه پیوندی با دیگر حوادث بر آن نمی‌پذیرد (۶۱).

توجه به این قانونمندی و ارائه سنتها در دیدگاه‌های تاریخی امام خمینی (ره) ملاحظه می‌شود و به گونه‌های مختلف این نکته را به دست می‌دهد و می‌فرماید: "هر دولتی که متکی بر ملت نباشد، بلکه مقابل ملت بایستد... عاقبتش همین عاقبتی است که این پدر و

پسر [اسلاطین پهلوی] منتهی شدند" (۶۲) و در بیان رمز پیروزی می‌فرماید: "هر جا که قوت ایمان در کار بوده است و مردم و مسلمین به قوت ایمان حرکت می‌کردند، نصر با آنها همراه بوده است و هر وقت برای رسیدن به آمال دنیایی بوده است، نصر از آنها فرار می‌کرده است" (۶۳).

ج - تحلیل و تعلیل قضایا و نتیجه‌گیری

امام در مباحث تاریخی به بیان وقایع و توصیف رویدادها نمی‌پردازد بلکه به علتها و معلولها و نتایج منطقی و چراها می‌پردازد. ایشان قصه حضرت آدم (ع) را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و نکات اخلاقی استخراج می‌کند؛ داستان قربانی کردن فرزند توسط حضرت ابراهیم را مورد بحث قرار می‌دهد و استفاده‌های عرفانی و اخلاقی می‌کند و قضیه را از زوایای مختلف می‌شکافد؛ به تحلیل جنگهای پیامبر اسلام (ص) و تفسیر عملکرد ایشان می‌پردازد؛ مسائل روز را در مقایسه با موارد صدر اسلامی مورد تطبیق و مقایسه قرار می‌دهد و به نتایجی می‌رسد. رویدادها را حلاجی می‌کند تا درسها و اندرزها را درآورد؛ تمثیلات و تشبیهات جالبی ارائه می‌کند که به مواردی از آنها می‌پردازیم:

۱- دربارهٔ خلقت آدم و تهدید شیطان، ضمن بیان دقیق داستان از زبان قرآن مجید، دستاورد آن بررسی را چنین تبیین می‌کند. "ما از اینجا می‌فهمیم که قضیهٔ خودبینی، ارث شیطان است و از صدر عالم این قضیه بوده است، وقتی که آدم را وسوسه می‌کند، باز آدم را اغوا می‌کند که تو را می‌خواهند اینجا گانه حبس کنند و تو اگر حرف مرا بشنوی بیشتر از اینها داری، آدم هم به آن جنبهٔ دیگری از او قبول می‌کند. این یک تعلیم عمومی است که از قبل از خلقت آدم تا حال باید عبرت باشد و بدانیم که ارث شیطان، خودبینی است... کسی که بخواهد درد خودش را شخصاً دوا کند، باید این خصیصه را از بین ببرد، باید ریاضت بکشد و خودش را بزرگ حساب نکند" (۶۴).

۲- از سیرهٔ انبیا و برخی علمای زاهد این درس و نتیجه را ارائه می‌دهد که "ارزش انسان به این نیست که یک هیاهو و اتومبیل‌کذا و رفت و آمد زیاد داشته باشد، ارزش

روحانیت به این نیست که بساط و دفتر و دستکی داشته باشد. فکر کنید ارزش انسان را به دست بیاورید، ارزش روحانیت را از دست ندهید. در کیفیت تحصیل آن علوم هم هر چه سراغ تجملات بروید، از علومتان کاسته می‌شود. آنهایی که این کتابهای قطور و پرارزش را نوشتند مثل شیخ انصاری، زندگیشان یک زندگی طلبگی بود... (۶۵).

۳- ماجرای ضربت خوردن علی (ع) از منافقی را بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که "ملت ما چون علی بن ابیطالب را برای اسلام فدا کرده است، فدا کردن امثال این شهدا مسأله مهمی نیست" (۶۶).

۴- وضع رژیمهای سلطنتی گذشته را تحلیل کرده، نتیجه می‌گیرد: "در زمانهای سابق، در رژیمهای سلطنتی وضع این طور بود که اگر سلطانی کشته می‌شد یا می‌مرد، کشور به هم می‌خورد. نکته این بود که سلطان و عمال آن به قدری ظلم کرده بودند که به مجرد اینکه از بین می‌رفت، خود مردم قیام می‌کردند، لکن در جمهوری اسلامی ما، خود ملت، فردی را می‌آورند و فردی را کنار می‌گذارند. خود را از دولت و دولت را از خود می‌دانند" (۶۷).

۵- نمونه دیگر تحلیل و نتیجه‌گیری به تاریخ اروپا مربوط است. می‌فرماید: "قصه چرچیل را شاید شنیدید. چرچیل در جنگ عمومی [جهانی دوم] رئیس انگلستان بود. شوروی هم در جنگ با آلمان همراه آنها بود، ولی به مجرد اینکه هیتلر را شکست دادند، چرچیل گفت که الان وقتی است که ما به شوروی بزنیم، منتها مجلس انگلستان اجازه نداد، کسی که به خدا و معاد اعتقاد ندارد و ارزشهای انسانی را نمی‌شناسد، نمی‌شود به او اعتماد کرد" (۶۸).

نتیجه

در هر حال استفاده امام خمینی (ره) از تاریخ، آمیخته به پند و اندرز است. ایشان به عنوان اندیشمندی هوشمند از تاریخ بسان حربهای کارآمد در عرصه‌های سیاست، مبارزه، اصلاح، انسان‌سازی و ارشاد و... استفاده، و بخشی از توان پنهان آن را آزاد کرد

و در اختیار جامعه گذاشت. اسلوب کار ایشان در این زمینه منحصر به فرد بوده و از فرهنگ قرآنی و سنت بزرگان و مورخان بزرگ اسلامی نیز الهام گرفته است. جایگاه تاریخ در شخصیت فکری ایشان، یاد اندیشمندان و دانشمندان بزرگ اسلامی را در قرون طلایی تمدن اسلامی تداعی می‌کند که در فنون و رشته‌های مختلف علوم در سطحی عمیق، تبحر و آثار داشته‌اند. اندیشه‌های ایشان در اثر ارتباط با تاریخ و یافته‌های آن عمق و پختگی بیشتری یافته و عمرشان اندازه و طول فروتر. مطالعه عمیق ایشان در تاریخ و بویژه توجه ایشان به عبرتها و درسهای تاریخ معاصر ایران در توفیقات سیاسی و عدم تکرار اشتباهات دیگران سهم بسزایی داشته است و ارزشمندترین بعد کاربردی شدن تاریخ برای جامعه کنونی را به نمایش گذاشت.

امام در آثار مکتوب و سخنانش به ارائه مستندات، مثالها و درسها و تجارب تاریخی پرداخته و در جوانب سیاسی - نظامی، اقتصادی - اجتماعی، فکری و فرهنگی به بخشها و نکات تاریخی ارزشمندی اشاره کرده است. این قرائن بیانگر مطالعه قابل توجهی در تاریخ جهان اسلام، انبیا، ائمه و ایران بویژه در تاریخ معاصر آن است.

امام در استفاده از تاریخ به ضبط حوادث، که کار مورخان حرفه‌ای است نمی‌پردازد، بلکه به استخراج نکات و تبلیغ درباره عبرتها و درسها، معرفی اسوه‌ها و تبیین سیره آنها، نقد نخبگان و کارکرد آنها و برخی مورخان که در خدمت سلاطین بودند و به نفع آنها قلم می‌زدند، پرداخته است. البته از دیدگاه ایشان تاریخ‌نویسی کاری با مسئولیت و تاریخ‌نویس مسئول روشنگری و زدودن ابهامات در جامعه است. امام در دوران حیات و مبارزه، فردی را برای ثبت و ضبط تاریخ انقلاب معین کرد تا با جعل و تحریف، چهره آن را دگرگون جلوه ندهند و این بیانگر لزوم و ضرورت حفظ امانات تاریخی و تحویل صحیح آن به نسلهای آینده است.

در شیوه تاریخ‌نگاری ایشان همچنین عناصر تحلیل و تعلیل، مقایسه و تطبیق، کشف سنتها و قانونمندیها، رفع ابهامات و شبهات، ارائه نتایج، توجه به ریشه‌ها و تفاوتها و اشتباهات دیگران با مصادیق و موارد فراوان، نمود و ظهور دارد.

امام در تاریخ ایران، رابطه آمیخته به ظلم و بی‌عدالتی و اجحاف را دیده و بارها به آن اشاره کرده و حکام و سلاطین ایران را بلااستثنا به بی‌رحمی و خونخواری متهم، و از اشرافسالاری و تیولداری به عنوان دو عارضه مهم نظام شاهنشاهی انتقاد کرده است و از تراکم ثروت در دست معدودی، ملاک ارزش بودن قدرت، بویژه در بعد مالی، خاضع بودن آنان در مقابل قدرت بالاتر بویژه قدرتهای خارجی و زورگویی در مقابل ضعفا و زبردستان را بسان پیامدهای اشرافسالاری و تیولداری به حساب آورده است.

ایشان در تاریخ معاصر ایران به نقاط استراتژیک ناکامیها در انقلابات بویژه انقلاب مشروطه و نهضت ملی شدن نفت پرداخته و ضعف عملکرد رهبران و خیانتها را بر ملا کرده است.

پی‌نوشتها

- ۱- [حضرت امام] روح‌الله خمینی (ره)؛ کشف‌الاسرار، انتشارات پیام اسلامی، قم، بی‌تا، ص ۱۲. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک. به عبدالحسین زرین‌کوب؛ تاریخ مردم ایران قبل از اسلام.
- ۲- همان، ص ۱۶. ر.ک. به ابن‌هشام؛ سیره رسول‌الله و ابن‌کلبی؛ الاصنام.
- ۳- همان، ص ۲۸۰. ر.ک. به آرتور کریستین سن؛ ایران در دوره ساسانیان.
- ۴- همان.
- ۵- در جستجوی راه از کلام امام، دفتر شانزدهم، سلطنت و تاریخ ایران (از بیانات و اعلامیه‌های امام خمینی (ره)) از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۱، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، (تهران ۱۳۶۳)، ص ۳۶.
- ۶- ر.ک. به عباس اقبال، تاریخ مغول در ایران.
- ۷- در جستجوی راه از کلام امام، دفتر شانزدهم، ص ۳۷-۸۰.
- ۸- عبدالحسین زرین‌کوب؛ تاریخ در ترازو (درباره تاریخنگاری و تاریخنگاری) با تجدیدنظر و اصلاحات، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، (تهران ۱۳۶۲)، ص ۱۰.
- ۹- رسائل اخوان‌الصفاء، ج ۱، چاپ قاهره، ص ۲۵۳ به بعد.
- ۱۰- فرانسس روزنتال؛ تاریخ تاریخنگاری در اسلام، ج ۱، ترجمه اسدالله آزاد، چاپ اول، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، (مشهد ۱۳۶۸)، ص ۲۲۹.
- ۱۱- عزت‌الله رادمش؛ قرآن، جامعه‌شناسی، اتوپیا، (قرآن و عقاید اجتماعی)، مؤسسه انتشارات امیرکبیر چاپ اول، (تهران ۱۳۶۱)، ص ۱۶. ر.ک. فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- صحیفه نور؛ مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، ج ۷، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی،

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (تهران ۱۳۶۸)، سخنرانی در مورخه ۰۱۳۵۸/۴/۱۰ ش .
- ۱۴- در جستجوی راه... دفتر ۱۶، ص ۳۸، سخنرانی در مورخه ۱۳۵۸/۲/۲۹. ش .
- ۱۵- کوثر (خلاصه بیانات امام خمینی (ره) از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ ه.ش.)، ج ۲، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، (تهران ۱۳۷۱)، ص ۶۷۰. سخنرانی مورخه ۱۳۶۲/۷/۱۳ ه.ش.
- ۱۶- همان، ص ۶۷۱.
- ۱۷- همان، ص ۳۴۱. سخنرانی مورخه ۱۳۶۰/۴/۱ ه.ش.
- ۱۸- در جستجوی راه...، دفتر ۱۸ ارتش؛ انتشارات امیرکبیر، (تهران ۱۳۶۲)، ص ۵۴. سخنرانی مورخه ۱۳۵۹/۸/۲۹ ه.ش.
- ۱۹- حضرت یوسف (ع)، یعقوب (ع) و فرزندان، عزیز مصر، زلیخا و...
 ۲۰- عزت‌الله رادمش؛ تاریخ در قرآن، مؤسسه انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد ۱۳۶۸، ص ۳۰.
- ۲۱- ک. و. یلخانف؛ نقش شخصیت در تاریخ، ترجمه خلیل ملکی، انتشارات صدا، بی‌جا. بی‌تا، ص ۴۸.
- ۲۲- در جستجوی راه...، دفتر ۱۶، ص ۵۰.
- ۲۳- کوثر، ج ۲، ص ۴۶.
- ۲۴- همان، ص ۳۶۹.
- ۲۵- همان، ص ۳۷۹.
- ۲۶- همان، ص ۲۶۱.
- ۲۷- در جستجوی راه...، دفتر ۱۶، ص ۳۸. سخنرانی مورخه ۱۳۵۷/۱۱/۲۷ ه.ش.
- ۲۸- همان، ص ۲۰۰-۲۰۲.
- ۲۹- همان، ص ۵۰.
- ۳۰- کوثر، ج ۲، ص ۷۵۵. سخنرانی مورخه ۱۳۶۱/۱۱/۱۴ ه.ش.
- ۳۱- همان، ص ۶۳۱. سخنرانی مورخه ۱۳۶۲/۴/۲۱ ه.ش.
- ۳۲- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۴. سخنرانی مورخه ۱۳۶۴/۲/۱۶ ه.ش.
- ۳۳- کوثر، ج ۲، ص ۴۰، ۷۶، ۸۰، ۹۸، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۶، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳،

- ۴۱- کوثر، ج ۲، ص ۲۶۱، ۲۹۳ و ۲۹۷.
- ۴۲- همان، ص ۸۰۵.
- ۴۳- در جستجوی راه...، دفتر ۱۸، ص ۴۸-۴۹، سخنرانی مورخه ۱۳۶۱/۶/۸ ه. ش.
- ۴۴- همان.
- ۴۵- همان، ص ۴۲ و ۴۴. سخنرانی مورخه ۱۳۵۹/۹/۱۶ ه. ش.
- ۴۶- ر. ک. لمبتون، مالک و زارع در ایران.
- ۴۷- در جستجوی راه...، دفتر ۱۶، ص ۶۹ تا ۷۸.
- ۴۸- همان، ص ۸۳.
- ۴۹- همان، ص ۸۴-۸۵. سخنرانی مورخه ۱۳۵۷/۱۲/۲ ه. ش.
- ۵۰- همان، ص ۸۵.
- ۵۱- همان. سخنرانی مورخه ۱۳۵۹/۴/۲۹ ه. ش.
- ۵۲- همان، ص ۸۶.
- ۵۳- همان، سخنرانی مورخه ۱۳۶۰/۶/۲۵ ه. ش.
- ۵۴- کوثر، ج ۲، ص ۸۰۴.
- *- و صیقلنامه سیاسی - عبادی امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ چهارم، تهران ۱۳۷۸، ص ۱۷.
- ۵۵- ر. ک. به اسکندر بیک فشی؛ عالم‌آرای عباسی و راجر سیوری؛ ایران عصر صفوی، ترجمه احمد صبا.
- ۵۶- قرآن مجید. سوره یونس، آیه ۴۹.
- ۵۷- همان، سوره حجر، آیات ۴ و ۵.
- ۵۸- همان، سوره کهف، آیات ۵۸ و ۵۹.
- ۵۹- همان، آیات ۲، ۳، ۴ و ۵.
- ۶۰- همان، مومنون، آیه ۳۱.
- ۶۱- محمد باقر صدر، سنتهای تاریخ در قرآن، ترجمه جمال موسوی، بی‌نا، بی‌جا، ص ۵۵.
- ۶۲- در جستجوی راه...، دفتر ۱۶، ص ۴۰.
- ۶۳- همان، سخنرانی مورخه ۱۳۵۸/۲/۲۹ ه. ش.
- ۶۴- کوثر، ج ۲، ص ۷۵۲. سخنرانی مورخه ۱۳۶۳/۱۱/۱۴ ه. ش.
- ۶۵- همان، ص ۷۷۵.
- ۶۶- همان، ص ۳۷۲.
- ۶۷- همان، سخنرانی مورخه ۱۳۶۰/۶/۹ ه. ش.
- ۶۸- همان، ص ۶۶۱. سخنرانی مورخه ۱۳۶۲/۶/۲۷ ه. ش.

